

نوشته از حقوقدان سابقه دار و فعال حقوق زنان محترمه بلقیس تابش



محترمه بلقیس تابش

بیست و پنجم نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان!

عمده ترین اسناد حقوقی بین المللی بشمول اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی مرتبط با آن ، کنوانسیون منع انواع شکنجه های بیرحمانه و وحشیانه و بخصوص کنوانسیون منع انواع تبعیض علیه زنان از موثریت ویژه برای کاهش خشونت علیه زنان برخوردار هستند ، مگر به ادامه آن در دسامبر ۱۹۹۳ اعلامیه منع خشونت علیه زنان در مجمع عمومی ملل متحد نیز به تصویب رسید :

زیرا ادامه خشونت علیه زنان مانع عمده در راه رسیدن به تساوی ، انکشاف و صلح محسوب میگردد . بدین معنی که خشونت مردان علیه زنان مظهر نابرابری قدرت میان زن و مرد است که منجر به تسلط مردها شده و زنان را با خطر نقض حقوق و آزادیهای شان مواجه ساخته و جلو رشد شانرا میگیرد .
تعریف ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان چنین صراحت دارد : « هرگونه رفتاری که منجر به آسیب بدنی ، جنسی و روانی زنان گردد ، خشونت علیه زنان بحساب میرود »

لازم است در روشنی همین احکام بین المللی مروری هم بر وضع زنان وطن خود داشته باشیم :
درحالیکه افغانستان همه اعلامیه ها و میثاقهای بین المللی را که ملل متحد برای محو خشونت علیه زنان تصویب نموده ، بموقع تأیید و به آن ملحق شده است ،
مگر با تأسف که پدیده شوم خشونت علیه زنان نه تنها سیر نزولی نداشته بلکه در سطح جرم و آنهم جنایت سیر صعودی نموده است .

چنانچه رسانه ها پیهم از قتلهای صحرائی ، سنگسار ، بدارآویختن ، سر و گوش و بینی بریدن ، بد دادن ، لت و کوبهای وحشیانه ، فروختن دختران ، نکاح اجباری زنان و دهها شیوه غیر انسانی دیگر گزارش داده اند که سرخط اخبار جهان بوده است !

به ادامه آنچه گفته آمدیم هم اکنون نیز در وطن ما زنان که اضافه از نصف جامعه بشری اند در حصار خانه از حق کار و تحصیل محروم شده اند که اثرات ناگوار روانی آنها هیچکس نمیتواند نادیده بگیرد، این خود باعث گسترش خشونت علیه زنان از بعد روانی آن میشود.

همچنان فقر خانمانسوز موجود در وطن که عواقب ناگواری در پی دارد و خانوادهها را مجبور ساخته که دختران کم سن خود را به عقد کهن سالان در بیاورند و یا هم مجبور به فروش آنان میشوند که همه و همه جنایات ننگین و خشونت بار علیه زنان و دختران است که جامعه جهانی در قبال آن مسوولیت انکار ناپذیری دارد.

مگر ابر قدرتها بجای آنکه به مسوولیت حقوقی و اخلاقی شان در قبال مردم منجمله زنان افغانستان پردازند هنوز هم این سرزمین را جایگاه مناسب برای ادامه رقابت‌های سیاسی و اقتصادی خود تشخیص نموده و در پی منافع آزمندانه شان زنان و کودکان را در صدر قربانیان غیر نظامی جنگ‌های چند دهه اخیرشان قرار داده اند.

چنین است زندگی رقتبار زنان افغان که از شر جنگ و خشونت در خانواده و جامعه در امان نیستند! جامعه جهانی و ملل متحد باید بدانند که اکنون زنان افغانستان در موقعیتی قرار گرفته اند که اصل مساوات و انکشاف را از یاد برده اند و حالا فقط حق زندگی، مجال برای تنفس و نان میخواهند، مشروط بر اینکه گوشی برای شنیدن وجود داشته باشد!

به جنگ‌ها خاتمه دهید و اشکال متنوع خشونت علیه زنان و دختران را متوقف سازید!